



toloes@hotmail.com

رفتار با کودکان

فرزاد ادیبی کارشناس تعلیم و تربیت

کودکان مقدمند: ما با سؤالیهای زیادی در باره تحمیل و تبلیغ انتقال نظرات پدر و مادر به کودکان مواجه شده ایم. سؤال را ما اینگونه فرموله می کنیم: آیا پدر و مادر حق دارند که نظرات و دیدگاهها سیاسی، ایدئولوژیک و مذهبی خود را با تبلیغ و یا استدلال و بحث به کودکان، منتقل کنند؟

راستش من خودم هم، بارها در طول زندگی و رشد کودکانم، با این سؤال مواجه شده ام. در بحثهای خانواده گی و دوستانه، این سؤالیها همیشه به نوعی مطرح بوده است. راستش اگر بخواهم در یک سطر به سؤال شما جواب بدهم، جواب منفی است. یعنی اینکه هیچ پدر و مادری حق ندارد که نظرات و فلسفه زندگی خود را چه مذهبی و چه غیر مذهبی، چه خوب، چه بد، چه مضر با حال کودک و چه مفید به حال وی، به او تحمیل و تحمیل کند. البته مطمئناً نه شما و نه خواننده گان شما، با این جواب کوتاه من قانع نمی شوید و من هم چنین انتظاری ندارم.

قبل از اینکه به استدالیهای خودم، به نفع جواب منفی ام به سؤال بپردازم، به بررسی کوتاهی از، چگونگی شکل گیری این سؤال و همچنین استدالیهای پدران و مادرانی که معتقدند، حق دارند که نظرات و عقاید مذهبی، سیاسی خود را به کودکان خود، منتقل کنند، می پردازم. مسلماً همه پدران و مادران، در این رابطه هم نظر نیستند. دسته ای اعتقاد دارند که این حق هر پدر و مادری است و حتی پدر و مادر حق دارند، کودک را بر مبنای سلیقه و نظرات شخصی خود، تربیت کنند. این دسته از پدران و مادران، خود را صاحب و مالک کودک می دانند. شیوه تربیتی این دسته، سنتی و روزمره است. از هر روشی سود می جویند تا خواست خود را به کودک، تحمیل کنند. در نزد ایشان، تنبه بدنی و روانی، جزئی از شیوه تربیتی است. این گروه معتقدند که کودکی که در یک خانواده مسلمان، به دنیا بیاید، مسلمان است. همچنین در خانواده، یهودی، یهودی است، در خانواده مسیحی، مسیحی است و کودک یک خانواده، غیرمذهبی(کافر) غیرمذهبی است. این خانواده ها، حق و حقوق کودک را به هیچ وجه به رسمیت نمی شناسند و برای کودک به عنوان یک انسان با حقوق برابر، ارزشی قائل نیستند. دسته ای دیگر که به دسته اول هم نزدیک هستند، معتقدند که این فقط حق پدران و مادرانی است که مذهبی هستند و به خدا نزدیکند. کودک را هدیه خدا به خویش می دانند. خداوند برای اینکه آنان را در زندگی خشنود و خوشبخت کند به آنان کودکی را ارزانی داشته است. این دسته کودک را بره ای

صفحه ۴

خودکشی کودکان، تباهی جامعه

و رفتند. کودکی که بر حسب تصادف در کشوری دنیا آمدند که دوستانشان در پاکدشت معیار بی ارزشی آنها در آن جامعه بود. کودکی که یک دنیا خلایقیت، شادی و زندگی پیش رو داشتند، اما خودکشی را برگزیدند. آیا این بود سهم آنها در آن جامعه؟ این است وضعیت کودکانمان در حاکمیت جمهوری اسلامی.

صفحه ۳

خبر کوتاه است اما، کافی است که چرخهای جامعه از حرکت باز ایستد و دولتی به زیر کشیده شود و نخبه گان جامعه به راه حل اندیشیدن وادار گردند. خبر کوتاه است اما ژرفای این فاجعه غیر قابل توصیف است. کودکی که در اوج تنهایی در گوشه ای از خشونت جامعه به زندگی خود در سکوت پایان میدهند. کودکی که در همان اوان زندگی جز خشونت، گرسنگی، تحقیر، بی خانه مانی و ستم ندیدند



امیر توکلی

در خبرها از خودکشی ۲۸۳ دانش آموز تهرانی در سال گذشته مطلع شدیم. خبر کوتاه است اما چنان تکان دهنده است که تاثیرات آن جامعه ای را در غم فرو میبرد.

مصاحبه با مهین فیضی از برگزار کنندگان

روز جهانی کودک در ایران

روز جهانی: روز جهانی را شاهد هستیم. اگر برگزاری روز جهانی کودک از طرف نیروهای رادیکال را نوعی اعتراض به وضع زندگی و شرایط غیرانسانی کودک بطور خاص بدانیم، رویکرد کمونیسم کارگری به دخالت در سازماندهی این

مهین فیضی: روز جهانی کودک در سالهای اخیر هم برگزار میشد، سازماندهندگان و برگزار کنندگان این مراسم ها در آن سالها بیشتر نیروهای لیبرال و دوم خردادی بودند. در دو سه سال اخیر تحرک نیروهای رادیکال برای دخالت در سازماندهی این

نسرین رمضانعلی: مراسم های روز جهانی کودک باشکوه در شهرهای مختلف ایران برگزار گردید، شما یکی از فعالین برگزاری این مراسمها بودید، ارزیابی خود شما در این رابطه چیست و تفاوت مراسمهای امسال را با سالهای قبل در چه میدانید؟

شما چه فکر میکنید؟ برای ما بنویسید!

آیا درست است که گوش کودک را بپیچانیم و انگشتانش را فشار دهیم و یا بازویش را بگیریم و او را به دنبال خود بکشیم؟ بنظر شما درست است که در فروشگاه سر کودک فریاد بکشیم و یا در خانه جلوی چشم کودکانمان از روی عصبانیت چیزی را روی زمین پرتاب کنیم؟ وقتی شما عصبانی میشوید، چکار می کنید؟ وقتی شما ناظر خشونت فیزیکی و یا روانی کودکی هستید، چه اقدامی می کنید؟ آنرا به خود مربوط میدانید و یا آنرا امری خانوادگی می پندارید؟

افکار و تجربیات خود را با ما در میان بگذارید. ما با درج تجربیات شما در «کودکان مقدمند» سعی میکنیم که رفتارمان را با کودکانمان بهتر و انسانی تر کنیم.

زندگی شاد، امن و خلاق حق مسلم کودکان است

کودکان مقدمند



شراره نوری

جمهوری اسلامی ایران بعد از سالها نسل کشی و سرکوب سیستماتیک زنان نوبت را اینبار به نسل جوان داده. نسلی که باید در محیطی سالم پرورش یابد. از دوگانگی فضای منزل و جامعه در رنج است و نمی داند باید از حقوق مادرش دفاع کند و یا به اعتصابات معلمین خود بپیوندد. این آینده سازان جهان متمدن در اکثر نقاط دنیا کودک محسوب میشوند و جامعه خود را موظف می داند تا حقوق آنان را مقدم بر دیگر وظایف خود بحساب آورد. ویژه گی یک جامعه

دبیر
«کودکان مقدمند»
هما ارجمند

homawpi@rogers.com

سردبیر
هفته نامه
«کودکان مقدمند»

امیر توکلی

tel: 00 358 405 821 776

e.mail:

kodakan_moqadamand@hotmail.com

مسئولین مرکز پخش:

شهلا خباززاده

سروش ابراهیمی

kudakanmoqadam@aol.com

Shahlahabazzade@aol.com

soroshebi@yahoo.com

وضعیتی دردآور، سیاستی سودآور



بابک شدیدی

بی سرپرست و تن فروش هم از نظر ایشان بشر محسوب میشوند؟ آیا کودکان و نوجوانانی که باید بهترین روزهای زندگی خود را پشت میله های زندان در انتظار اعدام بگذرانند، هم بشر بحساب می آیند؟ آیا کودکانی که بجای مدرسه رفتن تمام روز خود را در کارگاههای کوچک و بزرگ بدون برخورداری از کمترین حقوق انسانی مورد تجاوز جنسی قرار میگیرند، بشر محسوب میشوند؟ اگر جواب آری است، اگر حقوق کودکان جهانی است، اگر استفاده جنسی از کودکان ممنوع است و اگر اعدام کودکان غیر انسانی است پس این حکومت جمهوری اسلامی چگونه کشور امنی است؟ شاید برای سرمایه گذاری شما امن است اما برای مردم جان به لب رسیده ساکن ایران هرگز!

بشری، به نفع زندگی انسانی و مدرن کودکان، طرح نموده و با مبارزه در این راه، زمینه عملی تحقق آنها را فراهم نمائیم.

ادامه دارد . . .

برکنند. باید جهل، خفقان، سنگسار، اعدام، گرسنگی و از همه دردناکتر تن فروشی کودکان را از صحنه زندگی انسان متمدن پاک کرد. این امر مهم به دست شما مردم آزادیخواه و مترقی ممکن خواهد شد پس به نهاد کودکان مقدمند بپیوندد. ما فعالین نهاد کودکان مقدمند دستان شما را برای نوشتن، دهان شما را برای فریاد سر دادن، انساندوستی شما را برای عشق ورزیدن و چشمان شما را برای دیدن بی حقوقی کودکان در ایران اسلامزده به کمک میطلبیم.

امکانات و نعمات مادی! این چهره نمادین دنیای مملو از فجایع ماست! کودکان آینه و چهره نمای جامعه بشریند! رفاه کودک و حق تامین حیات او اینک در ابعادی میلیونی در تندباد سود و سرمایه چنین بی رحمانه به تاراج می رود! جهان گرسنه، گرسنگی می زاید و کودکان گرسنه چرخ گرسنگی جهان را با دستها و پاهای نحیفشان، با تحقیری غیرقابل توصیف می چرخانند و سرمایه می انبازد و فربه تر می شود! باید ارقام بار مثبت بیابند، کار و بردگی کودکان، تجارت سکس کودکان، سربازگیری از کودکان باید جای خود را به امنیت، رفاه و آسایش بدهد. همه کودکان باید سرپناه داشته باشند. باید میلیونها دیستان و مهد کودک، صد میلیون کودک را در پناه خود حفظ کند! باید ارقام از شادی و رفاه و تامین و خوشبختی بگویند!

حقوق کودک" در تمامی کشورها هستیم و همزمان میکوشیم با آگاه نمودن و بسیج افکار عمومی و سازمانهای مدافع حقوق کودک، کنوانسیون جدیدی را مشطابق با آخرین دستاوردها و امکانات جامعه

این جنگی است که سرنوشت ما به آن گره خورده است. ما فعالین "کودکان مقدمند" خواستار اجرای بیدرنگ و بیواسطه کلیه مفاد "کنوانسیون

**به کودکان مقدمند
بپیوندد**

دست مذهب از زندگی کودکان کوتاه

ادامه

مصاحبه با مهین فیضی از برگزار کنندگان روز جهانی کودک در ایران

در این عرصه را به عنوان رهبر واقعی و بحق این جنبش باید تلقی کرد. روز جهانی کودک روزی است که در این دنیای سرمایه و سرمایه داری بشریت مترقی یادآوری میکند که کودک به مثابه سمبل انسان‌بمی حقوق است و زندگی حق اوست. در این روز به اشکال مختلف به جامعه ندا داده میشود که وجدانهای بیدار برخیزند و به دولتها و ملتها یادآوری میشود که به این ظلم و جور آشکار در حق انسان و انسانیت باید اعتراض کرد. کار کودکان لغو باید گردد، استفاده از کودکان در میادین جنگ توقف یابد، استفاده از کودکان فقیر برای فروش اعضا بدنشان متوقف گردد، فروش کودکان برای استفاده های جنسی ممنوع گردد، حجاب برای کودکان ممنوع گردد. کودک مذهب ندارد، دخالت مذهب در زندگی کودک ممنوع. آموزش و بهداشت رایگان برای کودکان تامین باید گردد و دهها خواست دیگر در خیابانها مطرح و به دولتها یادآوری میشود. نیروی اساسی این مراسم ها باید کمونیسم کارگری باشد چرا که نیروی واقعا اومانیتست و انسانگرا مائیم. سایر نیروها این جنبش را در نیمه راه رها میکنند و

ماهیتا قادر نیستند به سر انجام خود که رهایی انسان است، برسانند. فقط و فقط جنبش واقعی رهایی انسان است که قادر به هدایت جنبش رهایی کودک از مصائب امروزی اش است. امسال ابعاد وسیع برگزاری روز جهانی کودک حاکی از این بود که فعالین حزب نیز در این عرصه دخالت کردند. گسترده‌گی این مراسمها، شعارهای مراسمها، کیفیت برگزاری مراسمها و سازماندهی بهتر نسبت به سالهای قبل شاهد این مدعا است.

نسرين رمضانعلی: بنظر شما

نقاط قوت و ضعف جنبش برای حقوق کودکان چیست؟ **مهین فیضی:** نقاط قوت این جنبش در این است که ظرفی تشکیلاتی در سطح جهانی برایش تعریف شده است. روز جهانی خودش را دارد و بدلیل پرداختن به موضوعی که سرمایه داری جهانی به آسانی قادر به انکار آن نیست و براحتی توسط مردم طرح و دفاع از آن مقبولیتی عام دارد. دخالت نیروهای مختلف لیبرال و دمکرات در سطح جهانی حول آن نیز جای خود دارد. لذا در هر جامعه ای با توجه به سطوح مختلف مبارزات مردم قابلیت های این جنبش متفاوت بوده و رهبران مناسب

باید مرگ کودکان خیابانی و کودکان کار که هیچگاه رسماً اعلام نمیشود را اضافه نمود. هزاران کودک در زلزله بم کشته شدند، آنها هم در آمار آموزش و پرورش نیستند. دهها هزار کودک به دلیل فقر، بی شناسنامه بودن، پدر افغانی داشتن و دختر بودن به مدرسه نمیرود، تعداد بیشتری از این کودکان در سکوت می میرند، این کودکان هم در آمار فوق نیستند. مسبب این شرایط جمهوری اسلامی است. این وضعیت وحشتناک را جمهوری اسلامی

وضعیت کودکان پناهجو



اسماعیل مولودی
مددکار اجتماعی و
کارشناس امور پناهندگی

قسمت پانزدهم

سین زنگ زد ساعت ۸ و نیم شب. آقای مولودی؟ بله بفرمایید من مولودی هستم. وقت دارید کمی برایت صحبت کنم؟ آره بفرمایید. من تلفن شما را از خانم پازوکی گرفتم من در یکی از کمونهای اطراف شهر اوره برو زندگی میکنم. دو سال و نیم است، اینجا هستم. ناراحتی روانی دارم اعصابم خورد است. از دست جمهوری اسلامی فرار کرده ام. من معلم ادبیات بودم و بخاطر اینکه بچه ها انشاهای خوب مینوشتند از طرف حراست و مرکز عقیدتی چند بار بازجویی شدم. بچه ها در مورد واقعیت زندگیشان حرف میزدند. من خیلی اعصابم خرد میشد. بعنوان معلم دوست داشتم قضیه مشکلاتشان را برایشان روشن کنم ولی مثل اینکه از کلاس گزارش داده بودند که من کمونیست هستم و علیه خدا حرف میزنم. داستان طولانی است و بخاطر این به شما زنگ نزد بلکه بخاطر کودکان با شما تماس گرفتم. کودکانم را از من گرفته اند. دوتا بچه خردسال من را نزد خانواده ای گذاشته اند. خیلی کوچک هستند. شبها مثل دیوانه ها در اتاق ۱۲ متری ام فقط راه میروم. با زور قرص میخوابم و یا زور قرص راه میروم. نمیدانم چه بلایی بر سر بچه هایم میآید. جایشان خوب است راحت هستند. نان و خوراک خوب دارند. کمون محل زندگیم آنها را از من گرفته بخاطر اینکه دکترها میگویند شرایط روحی من خوب نیست. نمیدانم چی ام شده. نمیدانم به کجا روی آورم و نمیدانم تا کی باید اینجوری باشم. الو الو تلفن قطع شد. من زنگ زدم فهمیدم شاید پول در کارت تلفنش تمام شده. سلام، من اسماعیل مولودی هستم، خدا عمرت بده که زنگ زدی من پولم تمام شده. بله ادامه بدهید. نمیدانم کجا بودم و نمیدانم راجع به کجای بدبختی هایم حرف میزدم. آره گفتم بچه هایت جایشان خوب است. آره در مورد آنها حرف میزدم. تو میدانی من مادر دوتا بچه هستم. من مجبور شدم از ایران فرار کنم جمهوری اسلامی مرا فراری داده. کمی با زیان محلی خودش فحش داد و من کمی متوجه شدم. گفت بیخشید. اشکالی ندارد ادامه بدهید. نمیدانم برای بچه هایم چکار کنم؟ نمیدانم کی میتوانم آنها را در کنارم برای همیشه داشته باشم. نمیدانم آقا چکار کنم؟ خوب، من چکاری از دستم بر میآید؟ میتوانی با بچه هایم صحبت کنی؟ آره اگر خودت و آنها موافق باشند. بعد از کمی مکث شماره تلفنی داد که مربوط به منزلی بود که بچه هایش بودند. من قول میدهم اگر خانواده ای که نزدش هستند اجازه بدهند با آنها صحبت خواهیم کرد. زنگ زد تلفن جواب نداد. مثل اینکه بخاطر بچه ها تلفن را کشیده بودند و یا جواب نمیدادند. چون ساعت ده و نیم شب بود. **صفحه ۴**

برای کودکانمان و کل جامعه سازمان داده است. نباید از وقوع این فجایع فقط اظهار تاسف کرد، باید اعتراض کرد، باید متشکل شد و اعتراض کرد. این وضعیت غیرانسانی، فقط و فقط با اعتراض متشکل ما تخفیف می یابد. باید انجمن ها و تشکلهای حمایت از کودکان را در هر خیابان و محله تشکیل داد. یک لحظه نباید صبر کرد، کودکان دیگری در خطر مرگ قرار دارند. متشکل شویم.

مسکن، تغذیه، بهداشت و رفاه برای همه کودکان

ادامه

وضعیت کودکان پناهجو

در سوئد عادت بر این است که اکثراً مردم بعد از ساعت ۹ یا ده به تلفن جواب نمیدهند. باز به سبب زنگ زدم. بهش خبر دادم که من تلاش کردم ولی جواب ندادند. سبب باز شروع به حرف زدن کرد. از بچه هایش با جزئیات حرف زد حتی در مورد لباس پوشیدنشان. معلوم بود مثل یک مادر چه غذایی از فقدان بچه هایش می کشد. معلوم بود که دلش یک ذره شده. پرسیدم چند وقت است بچه هایت پیش خانواده سوئدی هستند؟ کمی مکث کرد و گفت دو هفته دیگر میشه چهار ماه. قرار است ۶ ماه باشند بعد دوباره تمدید کنند. کمی از شوهرش حرف زد و دوباره تلفنش قطع شد. خیلی تلاش کردم اما موفق نشدم زیرا باطری تلفنش تمام شده بود. ساعت ۱۰ صبح یکی از دوستانش زنگ زد و گفت سبب میگوید به این شماره زنگ بزنید. زنگ زدم فقط گفتم بدلیل کار زیاد شب دوباره بهش زنگ میزنم. قبول کرد. ساعت نه شب دوباره زنگ زدم. گفت با بچه هایش در مورد من صحبت کرده و آنها منتظرند همین الان بهشان زنگ بزنم. فوراً زنگ زدم. خانمی با مهربانی جواب داد و گفت اسماعیل شما هستید، بیا با ب صحبت کن. من ضمن احوالپرسی گفتم قبل از آن میخواهم با خود شما صحبت کنم و توضیح دادم کی هستم و چگونه از ماجرا آگاه شده ام. خانم سوئدی خیلی مودبانه گفت موفق باشید بعداً با شما صحبت خواهم کرد چون بچه ها منتظرند و باید قبل از ساعت ده بخوابند. اول ب صحبت کردم با صدای گرفته گفت آقا خوشحالم که میخواهید بما کمک کنید من مادرم همه چیز را تعریف کرده. ما اینجا حاملان خوب است ولی نگران مامان هستیم،

کوچکتره گفت مدرسه میره و کلاس اول را شروع کرده هر چند اقامت ندارند. صدایشان گرفته بود ولی سعی میکردند خیلی خونسرد خود را نشان دهند. من که تجربه کار با این نوع کودکان را دارم فهمیدم حالشان چطور است. این نوع کودکان میخواهند علیرغم هر بلایی که سرشان میآید روحیه خود را خوب نشان دهند، از بزرگانی که در اطرافشان هستند کمتر توقع دارند، بچه های بزرگتر تلاش میکنند مسئولیت کوچکترها را بعهده بگیرند و در بعضی مواقع این نوع کودکان مسئولیت زندگی والدینی که حالشان خراب است را هم بعهده میگیرند.

در چنین شرایطی این نوع کودکان مسئولیت زندگی خانواده را بدوش میکشند و تلاش مینمایند موقعیت خانواده را حفظ کنند. معمولاً این نوع کودکان شرایط سخت را بهتر سیری میکنند اما به قیمت از دست دادن دوران کودکی خود. این نوع کودکان نسبتاً در کارهای روزانه موفق دیده میشوند اما درونی ناآرام و هراسی دایمی را در چشمهایشان میتوان دید و لمس کرد. در عالم رفتار با کودکان این نوع کودکان را بزبان سوئدی ماسکروس مینامند (ماسکروس گلی است که در شرایط سخت رشد میکند و گل قشنگ و زرد رنگی دارد) ب و صحبت هایش من را بیاد این نوع کودکان میاندازد.

با خانمی که ب در خانه شان همرا با آن بچه دیگر زندگی میکند شروع به صحبت کردم. خانمی بود که دو تا بچه بزرگ دارد و در شرکتی کار میکند. شوهرش هم کار میکند و زندگی ثابتی دارند. ایشان وضعیت این دو کودک را چنین تعریف میکند. مرتب اند، خیلی هوای همدیگر را دارند بخصوص بزرگه هم مادر و هم پدر برای کوچکه است. وقتی گفتم

مددکار اجتماعی هستم، گفت چه جالب پس از حرفهای همدیگر خوب حالی میشویم. ادامه داد که این دو کودک زندگی فلاکتباری داشتند قبلاً. مادرشان ناراحتی روحی دارد و خیلی گوشه گیر میباشد. دو سال است منتظر اقامت هستند. یک هفته قبل باز جواب رد بهشان داده اند. مادر این بچه ها با یک روان شناس تماس دارد و طبق نظر روانشناس و مرکز امدادی روانکاری موقعیت کودکان در نزد او رضایت بخش نبود. ما قبول کردیم سرپرستی آنها را بعهده بگیریم. تازه بزرگه دوباره مدرسه را شروع کرده

کلاس سوم است و کوچکه اول را میخواند. اینها احتیاج دارند در جایی آرام باشند. من گفتم ما با این نوع انسانها آشنا هستیم و یکی از عمده کار ما کمک به انسانهایی است که اقامت ندارند. ما سعی میکنیم راهنمایی شان کنیم و در گرفتن وکیل و یا وضعیت و مقرارت پناهندگی به آنها کمک کنیم. ما پروند سبب و بچه هایش را در دست نداریم. لازم است ما پرونده را مطالعه کنیم و بعد بگویم چکار میتوانیم بکنیم. آری در این دو شب تا اینجا رسیدیم. اما این نوع اتفاقات امروز در بین پناهجویان بوفور دیده میشود. و همین جدی ترین فشار روحی است که به کودکان پناهجو میآید. صدمه این نوع فشار هم اکنون در زندگی و روان این کودکان کاملاً معلوم و عیان است.

نیودن آرامش، قبول و تحمیل شرایط سخت به آنها و از همه مهمتر بار مسئولیت دیگری را بعهده گرفتن. پدر و مادر شدن برای خواهر یا برادر کوچکتر در شرایطی که خود احتیاج به کسی دارید دستت را بگیرد نوازش کند. بجای اینکه تر و خشکت کنند در عوض باید کودک سازمان زندگی بزرگسالان را هم بگیرد. طبق بررسی های

علمی فراوان این نوع کودکان هیچوقت احتیاج و نیازهای خود را بزبان نمیآورند. این نوع کودکان گذشته از اینکه دوران کودکی خود را از دست داده اند در جوانی هم با عذاب وجدان در همدردی با برادر و خواهر کوچکتر از خود دچار میگردند. شرایط زندگی اوضاع روحی و دوران شیرین کودکی آنها را نابود میکند. در چنین شرایطی این نوع کودکان احتیاج به این دارند که کمکشان کرد تا دوران کودکی خود را باز یابند. بتوانند مسئولیتهای دیگران را از سر خود باز

ادامه رفتار با کودکان

تصور می کنند که محتاج شبان است. این همان تصویر رابطه ایست که خود با خدا و امام خود، دارند. این دسته از پدر و مادران به راحتی می توانند، برای رضای خاطر خدا و امام خود، کودک خویش را به سختترین مجازاتها برسانند و حتی تا به آنجا می توانند پیش روند که حاضرند، کودک خویش را در مقدم خدای خود، قربانی کنند. ماجرای ابراهیم و پسرش، داستانی آشنا، برای این خانواده هاست. این خانواده ها به راحتی کودکی را که خلاف آنان اندیشه و تفکر کنند، طرد می کنند. دسته ای دیگر از پدران و مادران، معتقدند که خانواده های مذهبی و سنتی، حق ندارند، نظرات خود را به کودکان خویش منتقل کنند، اما خانواده های امروزی و مدرن و لائیک، این حق را دارند. چرا؟ چون این پدران و مادران تحصیلکرده هیچوقت، اشتباه نخواهند کرد. و مسلماً این به نفع کودکان ایشان است که از نظرات خوب، امروزی و مدرن پدران و مادران خویش، دنباله روی کنند. این پدران و مادران حق دارند، چون، هیچگاه از تنبیه بدنی و خشونت و تهدید، استفاده نمی کنند بلکه با استدلال و توضیح و تشریح نظرات خود، توجه کودک را به این نظرات و ایده ها، جلب می کنند. کدام از این پدران و مادران حق دارند؟ شما به کدام یک از این پدران و مادران تعلق دارید؟ آیا گروه دیگر از پدران و مادران هم هست که چیز دیگر بگویند؟ به این سؤاها و سؤاها دیگر در شماره هفته آینده نشریه، می پردازیم



مهنوعیت هر نوع آزار روانی، فشار و ارباب کودکان

نجات کودک با ۱۰ سنت

ویروس اچ آی وی را به میزان قابل ملاحظه ای کاهش دهد. هزینه این دارو برای هر بیمار در روز کمتر از ۱۰ سنت است.

سخنگوی بخش مبارزه با ایدز سازمان بهداشت جهانی گفت: داروی کوتریموکسازول میتواند مرگ و میر کودکان آلوده به

روانه، ۱۳۰۰ کودک در جهان در اثر آلودگی به ویروس اچ آی وی با ابتلا به بیماری های مرتبط با ایدز می میرند.

حکم اعدام مهدی بختیاری، ۱۷ ساله صادر شد

زیر زمین مغازه دوستش، برای انتقام جویی وی را به قتل رسانده است.

را تأیید کرده است. این پسر متهم است که به دنبال مورد تجاوز جنسی قرار گرفتن در

روشننگری: شعبه ۲۷ دیوان عالی حکم قصاص پسر ۱۷ ساله ای به نام مهدی بختیاری

سوتغذیه در عراق دو برابر شده است

یونیسف در عراق وضعیت کودکان این کشور را بسیار اسفبار توصیف کرده است. او میگوید که آمار مشکلات در کودکان عراق، حتی از آمار اوگاندا و هائیتی نیز بالاتر است.

ناگهانی در سال جاری به ۷.۷ درصد رسیده است. در این گزارش گفته شده است که حدود چهارصد هزار کودک عراقی بر اثر ابتلا به اسهال مزمن و کمبود شدید پروتئین، در شرایط مرگباری به سر میبرند. نماینده سازمان

واشنگتن پست: سوتغذیه در میان کودکان عراقی از زمان اشغال این کشور توسط آمریکا، دو برابر شده است. در حالی که آمار کودکان زیر ۵ سال مبتلا به سوتغذیه در دو سال پیش، به ۴ درصد کاهش یافته بود، بطور

انفجار یک نارنجک در بازار آبادان کودک ۱۲ ساله ای را کشت

که یک پسر بچه بود در دم جان باخت. بنا به تحقیقات به عمل آمده مقتول این نارنجک را اخیراً در مخروبه های شهر آبادان پیدا کرده بود.

کشته شد. این نارنجک جنگی که احتمالاً به عنوان یک وزنه در ترازو استفاده میشود در حین ضربه با شی دیگر منفجر شد و فروشنده میوه

ایرنا: بر اثر انفجار یک نارنجک که بعد از ظهر شنبه در بازار لین چهار احمد آباد آبادان رخ داد یک نوجوان ۱۲ ساله به نام فرید بریهی

با نشریه کودکان مقدمند همکاری کنید.

دختر یا پسر، کدام برترند؟



اسماعیل خضری

دفاع از حقوق کودک در جامعه انسانی جدا از دفاع از حقوق بزرگسالان نیست. بزرگسالان امروز کودکان دیروز اند. فاصله زمانی در این مورد کوتاهتر از آن است که فکرش را بکنیم. کودکی و بزرگسالی انسان آن دو روندی هستند که در جامعه انسانی امروز لازم و ملزوم هم هستند. ما رابطه آن دو را در تمام عرصه های زندگی طاققت فرسای که برای کل جهان بشری و مخصوصاً کشورهای موسوم به جهان سومی به ارمغان آورده یا تحمیل کرده اند به کرات دیده و می بینیم که از هم تاثیر می پذیرند. در جامعه بشری اگر بزرگسال در رفاه و آسایش بسر برند کودکان هم همان حال وضع را خواهند داشت و خوشبخت اند و اگر بزرگسالان جامعه بی حقوق اند کودک هم مورد ستم است. تا وقتی که پدر و مادر در رفاه و خوشبختی نباشند، کودک باید بسوزد و بسازد. مگر نه این است که با چشمانمان می بینیم در اغلب کشورها و ایران کودکان برای کمک به مخارج خانه پا به پای والدین کار میکنند. مگر نه این است که دختران خردسال مجبور می شوند تن فروشی کنند تا زنده بمانند.

در قسمت کوچکی از این دنیای بزرگ انسانی که به دنیای متمم معروف شده است شاید سوال بی ربط و بی جای نباشد. که دختر یا پسر؟ کدام یک برترند؟ باید به دنیای متمم و سازمانهای دفاع از حقوق کودکان یادآوری کرد و با صدای رسا به آنها گفت که: آیا می دانید در فرهنگ حاکم بر ایران دختران از پسران کم ارزش ترند، بی حقوق ترند. فرهنگ عقب مانده و اسلامی باعث شده که دختران خردسال

دو برابر همسالان مذکرشان، آزار و شکنجه شوند. برای نمونه در بخشی از جامعه مذهب زده ما وقتی که دختری متولد میشود و دوست و آشنایی به دیدار آن مادر میرود که دختری به دنیا آورده به جای اینکه قدم نو رسیده را تبریک بگوید و خوشحال شود، با کلامی غمگین و حزن آور میگویند: چاره ای نیست که این دفعه دختر است به امید خدا و رسولش بار دگر با به دنیا آوردن فرزند پسر شاد میشویم و با هم جشن میگیریم. یا اینکه این دفعه مهم نیست به امید خدا دخترتان صاحب برادر هم می شود. بدین ترتیب در همان اوایل زندگی مهر تحقیر و بی حقوقی را برپیشانی دختران می زند. فرزند پسر در روابط خانوادگی بر دختر برتری دارد، در بسیاری از موارد به او دستور می دهند و دختر باید برده وار اطاعت برادر کند. آیا می دانید در مناطق کردنشین ایران هنوز هم دختران کوچک زیر سیطره قوانین مذهبی لگدمال میشوند و داغ مذهب را بر قسمتی از بدنش می زنند تا سنت اسلام را رعایت کرده باشند. تا وقتی که بزرگ شد سر به زیر و مسلمان و تسلیم باشد. آری در فرهنگ حاکم نه تنها کودکان دختر و پسر مقدم نیستند با کمال تاسف در همان وضع پسران بر دختران برتری دارند و مقدم ترند. ولی تلاش ما برای رهایی از این اوضاع بی ثمر نخواهد ماند. دختر و پسر برابرند و باید همه کودکان در شرایطی انسانی و یکسان در جامعه ای آزاد و شاد زندگی کنند.

ممنوعیت فوری حجاب اسلامی برای کودکان



افسانه وحدت

صاحب‌نظر در امور کودکان

خیابان همه چیز اوست

خیابان همه را به یاد اتومبیل و مغازه و عابرین پرشتاب می‌اندازد. همه چیز را در حال عبور می‌بینی! زمان و مکان را، اجسام را، آدمها را و به یکباره متوقف می‌شوی، می‌خکوب می‌شوی، انگار چیزی دارد تو را از حرکت باز می‌دارد. نگاهت مات و ثابت می‌ماند بر روی چیزی که شاید و شاید که نه، حتما او را بارها دیده‌ای! مگر خیابان محل عبور اتومبیل نیست؟ در میان این همه و شتاب، این عابرین بی‌شتاب در تکاپوی چیستند؟

سن و سال کم و دستهای نحیف، لباس‌های ژنده، نگاههای مغموم و التماسی دردآور، رنجی پیچیده در صورتی کبود با خطوطی که ابتدا و انتهایش را نمی‌بینی اما بدنبال خودش تو را می‌کشد، می‌کشد تو را تا خیابانهای دهلی و تهران و بوداپست و ریودوژانیرو و همه ذاغها و بیغوله‌ها و همه دخمه‌های بانکوک و مکزیکوسیتی و انسان و اعداد و آدمها و ارقام درهم می‌آمیزد و صدای التماس دخترچه ژنده پوش دروازه غار را در میدانهای بوداپست می‌شنوی! ارقام و آدمها چنان درهم ضرب می‌شوند که گویی تو دیگر همه را یکی



می‌بینی! خیابانها و آدمها و ارقامی به تعداد همه آنچه تو را می‌خکوب کرده است، چنان بزرگ و چنان عظیم است که مغزت نمی‌خواهد آن را بپذیرد.

رقم صد میلیون چه چیزی را در ذهنتان بیدار میکند؟ صد میلیون ستاره؟ صد میلیون گل؟ اگر قرار بود صد میلیون گل را در دشتی بکاریم چند صد مترمربع زمین لازم داشتیم و چه تعداد باید کار میکردند تا گلها کاشته میشد. صد میلیون رقمی برای شمارش چه چیزی است؟ اگر بگوئیم صد میلیون انسان، یعنی جمعیتی به مقیاس جمعیت کشور ایران به اضافه جمعیت عراق به اضافه جمعیت سوئد. به این تعداد، یعنی صد میلیون کودک بی‌خانمان و بی‌سرپرست در دنیا وجود دارد!

رقم، باورنکردنی است اینطور نیست؟ این رقم، تخمین یونیسف است. شاهکاری از شاهکارهای جهان سرمایه‌داری! این فقط تعداد کودکانی را در بر میگیرد که فاقد سرپناه اند. این رقم تعداد تکان دهنده

صفحه ۲

خودکشی ۲۸۳ دانش آموز مدارس تهران طی یکسال گذشته

بی‌سرپرستی یا بدسرپرستی از جمله بیشترین موارد درگیری دانش آموزان در سطح مدارس شهر تهران بوده است.

رایجترین معضلات دانش آموزان در سال تحصیلی گذشته برشمرد و افزود ترک تحصیل، فرار و جرایم مشمول اخراج از مدرسه و ارتباط با جنس مخالف اعم از تلفن، نامه، صحبت در پارک و نیز

معاون آموزش و پرورش شهر تهران حیدر زندیه گفت: این آمار طی سال گذشته رخ داده است و دانش آموزان دختر بیشترین آمار را در بین این ۲۸۳ نفر داشته‌اند. وی مشکلات تحصیلی و اظطرایی

پیگرد مراکز

غیر رسمی آموزش کودکان افغانی

انظار عمومی افغانی‌ها مراکز آموزشی دایر کرده‌اند که فعالیت آنها هیچ ارتباطی به آموزش و پرورش ندارد.

به عهده فرمانداری و وزارت کشور است. او با تأیید وجود مراکز غیر رسمی آموزش دانش آموزان افغانی، افزود در برخی اماکن مخفی از

اقرار: معاون آموزش سازمان آموزش و پرورش شهر تهران گفت: شناسایی، بررسی و برخورد با مراکز غیر رسمی آموزش دانش آموزان افغانی

مرگ نوزادان ایرانی ۱۰ برابر کشورهای پیشرفته است

شایع مرگ دوران نوزادی خواند و اظهار کرد: همچنین میزان مرگ در نوزاد نارس زیر ۲۵۰۰ گرم، ۴۰ برابر نوزاد ترم (رسیده) و میزان مرگ نوزاد نارس زیر ۱۵۰۰ گرم ۲۰۰ برابر نوزاد ترم است.

تغذیه‌ای و بهداشتی در میزان مرگ و میر دوران نوزادی موثر است، تأکید کرد: فراهم آوردن شرایط مراقبتی محیطی مناسب و امکانات بیمارستانی نقش مهمی در کاهش مرگ و میر دوران نوزادی دارند. مرنندی (نارسی و تولد زودتر از موعد) را یکی از عوامل

آفتاب یزد: رئیس انجمن پزشکان نوزادان ایران با اعلام اینکه میزان مرگ نوزادان ایرانی، ۱۰ برابر کشورهای پیشرفته است، گفت: ضعف در مراقبت دوران بارداری علت عمده مرگ در این دوران است. علیرضا مرتدی با بیان این که عوامل مختلف محیطی،

بر اثر انفجار نارنجک ۷ کودک کشته و زخمی شدند

می‌باشند که در منطقه اسکان یافته‌اند هنگامی این حادثه رخ داد که این کودکان چادرنشین مشغول بازی بودند. در میان مجروحان این حادثه یک زن و یک مرد ۳۰ ساله نیز وجود داشتند.

کوی آوارگان دزفول ۳ کودک کشته و ۴ نفر دیگر مجروح شدند. کشته شدگان از عشایری

خراسان: در اثر انفجار یک نارنجک در اطراف دزفول در محل اسکان عشایر در حوالی

کودکان مقدمند

پنج‌شنبه‌ها منتشر میشود

ممنوعیت کار حرفه‌ای برای کودکان و نوجوانان